

# تنش‌های سیاسی در خاورمیانه مانع از موفقیت همکاری‌های اقتصادی است

ن شماره:

ترتیبات تجاری منطقه‌ای به‌ویژه در دو دهه اخیر، فرآیند تجارت را در مناطق مختلف جهان تحت‌تأثیر قرار داده و با وجود آنکه تهدیدی علیه نظام آزاد تجارت جهانی است، لیکن توانسته در گسترش تجارت و توسعه اقتصادی منطقه نقش قابل توجهی ایفا کند.

با وجود آنکه نتایج حاصل از ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای در بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه کاملاً متفاوت است، لیکن بررسی علل عدم توفیق ترتیبات تجاری منطقه‌ای در بین کشورهای در حال توسعه، می‌تواند راهکارهایی را برای گسترش تجارت میان این گروه کشورها و در مجموع افزایش سهم آنها در تجارت و اقتصاد جهانی مشخص نماید.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر محمد رضا رفعتی پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مزایای ناشی از ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای، پیمان‌های موفق و ناموفق و راه‌های بهره‌گیری از این‌گونه پیمان‌ها برای گسترش تجارت خارجی کشورهایمان را چویا شد.

ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## ■ تجارت دو یا چندجانبه چه منافعی دربردارد؟

۱۱ بحث تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد در کلیه شرایط وقتی کشورها با یکدیگر به تجارت بپردازند، رفاه طرفین بیش از حالتی خواهد بود که هر کشور در حالت خودکفایی فعالیت اقتصادی کند. به دیگر سخن اگر یک کشور بتواند کالایی را بهتر و ارزان‌تر تولید کند و به کشور دیگر صادر کند و در مقابل کالایی را که کشور دیگر ارزان‌تر و بهتر تولید می‌کند، خریداری کند، در این صورت هر دو کشور سود خواهند برد. در کنار مسایل تجاری بحث حمایت

از صنایع داخلی وجود دارد. به عبارت دیگر کشورها به لحاظ اهمیتی که برای حفظ صنایع راهبردی (استراتژیک) خود قایل هستند و با حمایت از اشتغال در کشور خود، معمولاً سوانعی ایجاد می‌کنند که تجارت محدود می‌شود. به همان نسبت که تجارت محدود می‌گردد، رفاه در دو کشور کاهش می‌یابد.

در علم اقتصاد حالت بهینه حالتی است که هیچ‌گونه موانع گمرکی وجود نداشته باشد. البته در دنیای کنونی به همان ملاحظاتی که گفته شد، بزسر راه تجارت همواره موانعی وجود دارد.

## ■ فکر ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای -

## تجاری از چه زمانی پایه گرفت؟

۱۱ بعداز جنگ دوم جهانی این تفکر ایجاد شد. در اروپا با عنوان بازار مشترک اروپا در زمینه آزاد کردن تجارت خارجی و بهره‌مند شدن از منافع موجود، گام‌های اولیه برداشته شد. کشورهای اروپایی اقدام به تشکیل بازار مشترک اروپایی کردند و طی مراحل مختلف این بازار به جامعه اروپایی تبدیل شد و امروزه عملاً مرزها برداشته شده و به صورت یکپارچه موانع تجاری از میان رفته است.

در این حرکت، ابتدا تعرفه‌های گمرکی بین کشورها کاهش یافت و سپس حذف شد، به طوری که از این راه سود

ایجاد کرده‌اند، به چنین نتایجی دست یافته و به سرعت توانسته‌اند اقتصادهای خود را به یکدیگر گره بزنند. در این زمینه مشاهده می‌شود که اصولاً ۷۰ درصد مبادلات تجارت خارجی آمریکا و کانادا بین خودشان است.

با اضافه شدن مکزیک به این دو

کشور در قالب

پیمان تجارت آزاد

آمریکای شمالی

(NAFTA) سهم

عمده‌ای از تجارت

خارجی این سه

کشور با یکدیگر

صورت می‌گیرد.

کشورهای

در حال توسعه نیز به منع توفیقاتی که در

این زمینه‌ها از کشورهای پیشرفته

دیده‌اند، از سال‌ها قبل حرکت‌های

مشابهی را آغاز کرده‌اند، به‌طور مثال

ایران در سازمان همکاری اقتصادی (اگو)

عضو است. در جنوب شرقی آسیا

«آسه‌آن»، در آمریکای لاتین «مرکوسور»

و در آفریقا نیز اتحادیه‌ها و ترتیبات

تجاری - منطقه‌ای مشابهی وجود دارد.

چنین تلاش‌هایی در جهت تشکیل

پیمان‌های منطقه‌ای از سوی کشورهای

در حال توسعه انجام شده تا از نتایج

عملکردی که در کشورهای پیشرفته

حاصل شده، برخوردار شوند و با ایجاد

ترتیبات تجاری منطقه‌ای بتوانند مانند

کشورهای پیشرفته به امتیازاتی دست

یابند.

### ■ آیا نتایج حاصل از ایجاد

ترتیبات تجاری - منطقه‌ای بین

کشورهای در حال توسعه مانند

کشورهای اروپایی و پیشرفته

موفقیت‌آمیز بوده است.

|| نتایج حاصله مشابه نبوده است،

- این کشورها در قالب ترتیبات

تجاری منطقه‌ای، موانع تعرفه‌ای و

غیرتعرفه‌ای را در بین خود کاهش

می‌دهند.

- در ترتیبات تجاری منطقه‌ای،

کشورهای درگیر در این‌گونه پیمان‌ها و به

تبعیت از آن، بازارهایشان کوچک هستند.

○ ایجاد بازار مشترک اروپا از طریق کاهش تعرفه‌های گمرکی و سپس جامعه اروپایی، با از بین بردن موانع تجاری، سبب شد که کشورهای اروپایی سود سرشاری به دست آورند. اگرچه پس از پایان دومین جنگ جهانی، انگیزه سیاسی در ایجاد بازار مشترک بیش از انگیزه‌های اقتصادی بود.

(چین، هند و... مستثنی می‌باشند).

مقیاس تولید در این گونه کشورها معمولاً

محدود است، در حالی که هر چه مقیاس

تولید بزرگتر باشد، هزینه تولید کاهش

می‌یابد.

بنابراین وقتی ترتیبات تجاری

منطقه‌ای ایجاد می‌شود و موانع تجارت

از میان برداشته می‌شود، در عمل برای

تولیدکنندگان داخلی، بازارهای بزرگتری

به وجود می‌آید و آنان به سرعت می‌توانند

مقیاس تولید را بالا ببرند و هزینه تولید و

قیمت تمام شده را کاهش دهند و این امر

به بزرگ شدن بازار صادراتی آنان کمک

می‌کند و مصرف‌کننده داخلی نیز سود

می‌برد. این امر در کشورهای پیشرفته

مانند کشورهای اروپایی جواب مطلوب و

مثبتی داده است، به طوری که دو سوم

مبادلات تجاری خارجی کشورهای

اروپایی در داخل بازار مشترک یا

اتحادیه اروپایی صورت می‌گیرد.

در بلوک‌های تجاری دیگر نیز

کشورهایی که به یکدیگر نزدیک بوده‌اند

و چنین ترتیبات منطقه‌ای - تجاری

سرشاری عاید کشورهای عضو شده است.

این موضوع در آن زمان یک اقدام

سیاسی نیز محسوب می‌شد تا کشورها

منافع اقتصادی‌شان به یکدیگر گره

بخورد تا مسایل جنگ‌های اول و دوم

پیش نیاید.

البته امروز نیز

در جهان این نظریه

وجود دارد که اگر

کشورهای همجوار و

همسایه در بازارهای

یکدیگر منافع

اقتصادی داشته

باشند، این منافع

مانع از وارد شدن در

جنگ و جدال و برخوردهای نظامی

می‌شود، چون طرفین ضرر خواهند کرد.

متعاقب آن در اروپای شرقی نیز به

سرکردگی اتحاد جماهیر شوروی عمل

مشابهی صورت گرفت و پس از آن

پیمان‌های تجاری مختلفی به صورت

منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نقاط مختلف

جهان پایه‌گذاری شد.

### ■ مزیت‌هایی که ترتیبات تجاری -

منطقه‌ای برای کشورهای درگیر در

آنها ایجاد می‌کند، چیست؟

|| تشکیل چنین اتحادیه‌های تجاری

در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

مزیت‌های مختلفی دارد. این مزیت‌ها

عبارتند از:

- اصولاً در بین کشورهایی که

به صورت منطقه‌ای دور یکدیگر گرد

می‌آیند، هزینه حمل و نقل کمتر است.

- معمولاً کشورهایی که به یکدیگر

نزدیک هستند، از ریشه‌های فرهنگی

مشابه و حتی یکسان برخوردارند.

- کالاهای مصرفی آنان معمولاً مشابه

می‌باشد و زمینه تولید آن فراهم است.

کشورهای درحال توسعه به همان میزان کشورهای اروپایی موفقیت کسب نکردند. البته بین کشورهای عضو اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) موفقیت نسبی به چشم می‌خورد، اما مثلاً ایران در اگو توفیق زیادی نداشته، زیرا تا همین اواخر اگو بیشتر به صورت یک سازمان سیاسی دیده شده تا یک اتحادیه اقتصادی. البته تلاش‌هایی که باید در این زمینه انجام می‌شده، صورت نگرفته است. در آفریقا نیز چنین پیمان‌هایی موفق نبوده است، ولی به هر حال این راهی است که دنیا دارد می‌رود و کشورهای درحال توسعه نیز مجبور هستند به چنین ترتیبات تجاری - منطقه‌ای متوسل شوند.

### ■ چنانچه

**کشورهای درحال توسعه به چنین ترتیباتی متوسل نشوند، چه زیان‌هایی بر اقتصاد آنان وارد خواهد شد؟**

بین خواهد رفت و شانس در تجارت جهانی نخواهند داشت. مگر آنکه کشورهای غیرعضو در پیمان‌های منطقه‌ای در یک اقدام راهبردی (استراتژیک) به عمل مشابهی دست بزنند.

اگر کشورهای که در پیمان‌های تجاری - منطقه‌ای عضو نیستند، در مقابل چند بلوک تجاری قرار گیرند و نخواهند با اعضای آن بلوک‌ها به مبادله پردازند، با تعرفه‌های سنگینی روبه‌رو می‌شوند. بنابراین چاره‌ای جز تشکیل یک اتحادیه تجاری ندارند تا در این اتحادیه تعرفه‌ها را بین خود از بین ببرند و مقیاس بازارهای خود را بزرگ کنند تا بتوانند امکان رقابت با سایر کشورها را

تجاری - منطقه‌ای تا حدودی به فراموشی سپرده می‌شود.

کشورهای درحال توسعه از آغاز تشکیل چنین پیمان‌هایی آن را جدی قلمداد نمی‌کنند. برای مثال در سال‌های اخیر در اگو برای یک سری کالاها تخفیف در تعرفه گمرکی ارایه شده است و هر کشور فهرست کالاهایی که امتیازهای گمرکی بدان می‌دهد را اعلام کرده است. اما کالاهای محدودی از کشورهای عضو در این فهرست اعلام شده که در آن کالاها انگیزه همکاری و حسن نیت دیده نمی‌شود. هر کشور سعی کرده است کالاهایی را اعلام کند که کشور دیگر عملاً قادر به صدور آن نیست.

بنابراین مثل آن است که هیچ

امتیازی بین کشورهای عضو ردوبدل نشده و موضوع عضویت در یک پیمان، جدی گرفته نشده است. به همین دلیل سهم مبادلات

○ کاهش هزینه حمل‌ونقل، ریشه‌های فرهنگی مشترک، تولید کالاهای مصرفی موردنیاز، لغو موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و استفاده از مقیاس تولید بزرگ و کاهش قیمت تمام‌شده تولیدات، از مزایای ترتیبات تجاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

درون‌گروهی بین کشورهای عضو اگو نسبت به کل مبادلات تجارت خارجی آنها بسیار پایین است. اما در کشورهای پیشرفته که عضو چنین ترتیباتی هستند، سهم عمده‌ای از مبادلات تجاریشان را با کشورهای عضو در آن پیمان انجام می‌دهند.

چنانچه بین کشورهای درحال توسعه که عضو ترتیبات تجاری - منطقه‌ای هستند، این تفکر حاکم شود که در مقابل امتیازاتی که به یکدیگر می‌دهند، یک سری امتیازات می‌گیرند و عضویت در پیمان را جدی قلمداد کنند، از امتیازاتی که به یکدیگر می‌دهند هر دو منتفع خواهند شد. این تفکر هنوز در بین

اوقتی در جهان امروز دیده می‌شود که یک سری ترتیبات منطقه‌ای مانند «نفتا»، «جامعه اروپایی» و «آسه‌آن» وجود دارد، اگر کشورهای درحال توسعه و یا ایران به ترتیبات مشابهی متوسل نشود از غافل توسعه اقتصادی بازمی‌ماند.

کشورهایی که عضو پیمان‌های تجاری منطقه‌ای هستند با حذف یا کاهش تعرفه‌های گمرکی به مبادله کالا می‌پردازند، اما کشورهای که در این پیمان‌ها عضو نیستند، مجبور هستند با آنان با تعرفه‌های بالای موجود به مبادله پردازند، بنابراین اگر کشورهای غیرعضو در پیمان‌ها اقدامات مشابهی انجام ندهند، مزیت‌های تجاریشان از

بهدست آورند.

■ به نظر شما چرا ترتیبات تجاری - منطقه‌ای بین کشورهای درحال توسعه در قیاس با کشورهای توسعه یافته تاکنون موفق نبوده است؟

|| یکی از دلایل آن شاید این باشد که در کشورهای در حال توسعه سیاست بر اقتصاد غلبه دارد، در حالی که در کشورهای پیشرفته، اقتصاد تا حدود زیادی تعیین‌کننده است و بر سیاست غلبه دارد.

بنابراین در کشورهای درحال توسعه کوچکترین موضوعی که در روابط سیاسی کشورهای همجوار و همسایه پیش می‌آید، فرآیند پیشرفت ترتیبات

اثر ملاحظات و برخوردهای ایدئولوژیکی که داشتند، عمده روابط تجارشان بین خودشان بود و با جهان خارج مبادلات تجاری محدودی داشتند

و در نهایت به هدفی که داشتند نرسیدند. در حالی که ژاپن علی‌رغم آنکه در جنگ دوم جهانی در حد یک کشور نابود شده شکست خورد و

توسط آمریکا بمباران اتمی شد، روابط خود را با آمریکا گسترش داد، به‌طوری که بعد از ۴۰ سال، آمریکا را در صحنه اقتصادی شکست می‌دهد.

### ■ آیا ایران می‌تواند با مزیت‌های

نسبی موجود خود تا حدودی در

### پیمان‌های منطقه‌ای موفق باشد؟

اگر برخی مزیت‌های نسبی وجود دارد و تعدادی نیز در اثر ورود به یک پیمان و ایجاد بازارهای جدید به‌وجود می‌آید. منتهی فرآیند صادرات و تولید مستلزم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است و یک روند بلندمدت دارد. تنش‌هایی که معمولاً بین کشورهای درحال توسعه وجود دارد و رقابت‌هایی که در عرصه سیاسی بین این کشورها موجود است، باعث می‌شود رشته مدارم و باثبات در روابط اقتصادی بین آنها پدید نیاید. ایران با پاکستان و ترکیه دارای پیمان منطقه‌ای است، اما هر گاه روابط سیاسی دچار نقصان می‌شود، سطح مبادلات تجاری کاهش می‌یابد.

این موارد باعث مشکلاتی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشور می‌شود و آنها نمی‌توانند روی برنامه‌های بلندمدت برنامه‌ریزی کنند و در نتیجه اجناس با کیفیت پایین برای یک مقطع کوتاه صادراتی تولید می‌شود. این امر

رقابت بالا رود تا به‌طور گام‌به‌گام روابط در پیمان‌های کنونی گسترش یابد و سپس بازار مشترک اسلامی پایه‌گذاری شود. چنانچه این امر تحقق یابد، می‌توان

○ ورود ایران به یک پیمان تجاری مانند جامعه اروپایی که ۵۰ درصد واردات ایران از جامعه اروپاست، فقط در کوتاه‌مدت به نفع کشور می‌باشد، زیرا تشابه اقتصادی و قابلیت و قدرت رقابت با این کشورها وجود ندارد که بتوان تمامی موانع تجاری را برداشت.

روابط این اتحادیه‌ها را با اتحادیه‌های دیگر پیوند داد. برخی کشورهای عضو آسه‌آن امکاناتی را ایجاد کرده‌اند و با ایجاد یک موضع رقابتی برای خود، به‌طور منظم وارد تربیتات تجاری - منطقه‌ای دیگری نیز شده‌اند.

اصولاً کشورهای دیگر که دارای تربیتات تجاری - منطقه‌ای هستند، برای اعضای جدید نیز شرایطی دارند. برای مثال ترکیه چندین سال است که درصد پیوستن به اتحادیه اروپایی می‌باشد، اما هنوز توفیق کامل حاصل نکرده است.

باید پایه‌های کنونی در پیمان‌های منطقه‌ای برای ایران حفظ شود، آنگاه آنها را گسترش داد. وقتی به یک حالت قابل قبول مستحکم رسید، آنگاه با اتحادیه‌های دیگر یکپارچگی و اقدامی صورت داد.

### ■ ایران باید چه سیاست‌هایی را

برای موفقیت در پیمان‌های منطقه‌ای

### دنبال کند؟

□ باید سیاست تنش‌زدایی دنبال شود تا روابط اقتصادی بین کشورها تقویت شود. به نظر من نباید روی دیدگاه‌های خاص سیاسی تأکید کرد. تجربه جهانی نیز این امر را نشان داده است که مثلاً کشورهای عضو کومکون بر

کشورهای درحال توسعه که بین آنها پیمان‌های منطقه‌ای وجود دارد، ایجاد نشده و یا به میزان لازم انجام نگرفته است.

■ با توجه به وضعیت کنونی اقتصاد ایران، آیا عضویت در پیمان‌های جدید به صلاح است یا پیمان‌های قدیمی را باید تقویت کرد؟

□ باید ارزیابی شود که اولاً ایران با چه کشورهایی وارد پیمان می‌شود. باید شرایطی وجود داشته باشد تا از داخل شدن در یک پیمان منتفع شد. به نظر می‌رسد هم‌اینک ورود ایران به یک پیمان مانند جامعه اروپایی در کوتاه‌مدت به نفع آن باشد، زیرا تشابهات اقتصادی قابلیت و قدرت رقابت با آن کشورها وجود ندارد که بتوان تمامی موانع را برداشت.

برای مثال در زمینه عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) که یک قدم نهایی محسوب می‌شود و فراتر از اتحادیه‌ها است و گام بزرگی به‌سوی آزادشدن تجارت می‌باشد، هنوز بحث‌های زیادی وجود دارد. سال‌هاست که موافقان و مخالفان در این زمینه که آیا عضویت در سازمان جهانی تجارت به صلاح ایران است، بحث‌های حاشیه‌ای می‌کنند.

به نظر من وارد شدن در پیمان‌هایی چون اتحادیه اروپا که ۵۰ درصد واردات ایران از آنها تأمین می‌شود، کمی مشکل است. در شرایط کنونی، پیمان‌هایی که ایران در آن عضویت دارد، باید تقویت شوند و از مزایایی که فعلاً وجود دارد، استفاده شود و مقیاس‌های تولید و توان

باعث می‌شود که با وجود مزیت‌ها در زمینه‌های مختلف، نتوان از آنها استفاده کرد.

اصولاً در کشورهای پیشرفته از آنجا که روابط بر اساس اقتصاد پایهریزی شده، جریان مبادلات به صورت ثابت

است. ترکیه با اروپا دارای روابط ثابت اقتصادی است، اما ترکیه با ایران و یا ایران با ترکیه روابط تجاری ثابتی ندارند، در نتیجه زمینه‌های اقتصادی با تمامی مزیت‌های موجود شکوفا نمی‌شود.

**■ در چارچوب ترتیبات تجاری - منطقه‌ای، ایران دارای چه مزیت‌هایی است؟**

۱) کالاهایی که ایران هم‌اینک به کشوری مانند ترکیه صادر می‌کند، دارای مزیت است که صادر می‌شود و برعکس کالاهایی که ترکیه به ایران صادر می‌کند، نیز دارای مزیت می‌باشد.

اصولاً کالاهایی که در هر کشور ارزان و با کیفیت تولید و صادر می‌شود، دارای مزیت است. این نوع کالاها کشف شده است اما یک سری کالاها که دارای مزیت می‌باشد، کشف نشده است و باید برای آنها مزیت را به وجود آورد.

باید زمینه‌های همکاری را به وجود آورد. به طور مثال مواد اولیه یک کالا را به ایران آورد و در ایران تولید کرد، سپس آن کالا را به کشور ثالث صادر نمود.

اصولاً کشورها نمی‌توانند به طور کامل خودکفا باشند، کشورها باید با یکدیگر به مبادله بپردازند و نیازهای یکدیگر را برطرف نمایند و هر دو کشور با مبادله کالا از جریان اقتصادی منتفع شوند.

**■ موفق‌ترین پیمان منطقه‌ای -**

**تجاری در بین کشورهای درحال توسعه کدام پیمان بوده است و به چه دلیل؟**

**○ اگر این تفکر در کشورهای درحال توسعه حاکم شود که در برابر امتیازهایی که در قالب ترتیبات تجاری منطقه‌ای به کشورهای دیگر می‌دهند، فواید امتیازاتی کسب می‌کنند، هر دو طرف منتفع خواهند شد.**

□ عمده پیمان‌های منطقه‌ای در بین کشورهای درحال توسعه موفق نبوده‌اند، با این وجود می‌توان گفت موفق‌ترین آنها، «آسه‌آن» است. موفقیت آنها نیز مرهون جدی گرفتن مسایل اقتصادی است. زیرا به سادگی نمی‌گذارند مسایل سیاسی بین آنها بر دیدگاه‌های اقتصادی شان غلبه کند.

البته کشورهای شرق آسیا از نظر انضباط و فرهنگ با کشورهای غرب آسیا و آفریقا متفاوت هستند. این کشورها سخت‌کوش‌تر و منضبط‌تر از کشورهای غرب آسیا و آفریقا می‌باشند و توقع آنان کمتر است. بین کشورهای غرب آسیا به ویژه در منطقه خاورمیانه، تنش‌های سیاسی زیاد است و سرمایه‌ها فرار می‌کنند که عدم موفقیت در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای را سبب می‌شود. در آمریکای لاتین نیز ترتیبات تجاری منطقه‌ای تا حدود زیادی موفق نبوده‌اند چون بعضی اعضا این پیمان‌ها رژیم نظامی دارند که بر سیاست تأکید بیشتری داشته‌اند.

هنگامی که یک کشور زمینه‌های آماده برای همکاری داشته باشد، نه تنها از کشورهای منطقه، بلکه از خارج منطقه به آن کشور سرمایه سرازیر می‌شود. دیده می‌شود کشورهای اروپایی یا آمریکا در کره جنوبی، سنگاپور و تایوان سرمایه‌گذاری می‌کنند و بنیة آن کشورها

تقویت می‌شود. کالاهای جدیدی که در کشورهای یادشده تولید می‌شود، این امکان را به این کشورها می‌دهد که از آن

کالاها در بازار منطقه‌ای استفاده کنند. اما در کشورهای خاورمیانه چون منطقه ثبات سیاسی لازم را

ندارد، سرمایه‌ها وارد نمی‌شوند و سرمایه‌های داخلی نیز فرار می‌کنند و چون فرهنگ و دیدگاه برنامه‌ریزی اقتصادی وجود ندارد، از سود کردن در کارهای اقتصادی به قیمت محروم شدن رقیب از آن نفع، صرف نظر می‌شود. این عوامل باعث تضعیف و عدم موفقیت ترتیبات منطقه‌ای در کشورهای درحال توسعه است.

**■ آیا تولیدات مشابه بین کشورهای درحال توسعه دلیلی بر عدم موفقیت بین این کشورها در ترتیبات تجاری - منطقه‌ای نیست؟**

۱) نه این طور نیست. ولو کشورها دو یا چند کالا را تولید کنند، دلیلی بر عدم منفعت در تجارت نیست، چرا که هر یک از کشورها به طور نسبی در تولید یک نوع کالا مزیت دارند.

یک کشور کالایی را به کشور دیگر صادر می‌کند که به نسبت ارزان‌تر از بقیه تولید می‌نماید. در بین کشورهایی که دو یا چند کالا را به طور مشابه تولید می‌کنند، هنوز زمینه تقسیم کار و منافع تجارت وجود دارد. اما اگر کالاها غیرمشابه باشند، تسهیلات بیشتری در ردوبدل کردن آن ایجاد خواهد شد.